



نماز تراویح جبری؛

طالبان در هرات مردم را لت و کوب می‌کنند



به دنبال وضع محدودیت‌های سخت‌گیرانه توسط طالبان بر شهروندان، افراد این گروه در هرات ادای نماز تراویح با جماعت را نیز اجباری ساخته‌اند. شماری از جنگ‌جویان طالبان در بخش‌هایی از شهر هرات این شب‌ها به دنبال افرادی‌اند که در هنگام نماز تراویح به مسجد نمی‌روند. باشندگان هرات می‌گویند که این اعضای طالبان به جای حضور در صف‌های مسجد، عابران، دکان‌داران، دوافروشان و افرادی که بنا بر دلایلی به نماز نرفته و در هنگام نماز تراویح مصروف خرید و یا گشت‌زنی باشند را بازرسی می‌کنند...

فقر، بیکاری و زنده‌گی رقت‌بار؛

بی‌بی گل کراچی می‌راند



تعلیق کار زنان؛

دانشگاه‌های دولتی با معضل کمبود استاد چگونه کنار می‌آیند؟

با سقوط نظام جمهوری و روی کار آمدن رژیم طالبان، صدها استاد مسلکی و باتجربه دانشگاه‌ها، افغانستان را ترک کردند. در کنار این، تعلیق کار زنان از سوی طالبان سبب شد که صدها کادر زن از ادامه تدریس در دانشگاه‌های دولتی محروم شوند.

سوءاستفاده طالبان از کمک‌های سازمان ملل



منع آموزش دختران؛ طالب از زن آگاه می‌ترسد



دیدبان حقوق بشر: بدون دختران و زنان آموزش دیده، افغانستان با آینده تاریک روبه‌رو است

۸ صبح، کابل: دیدبان حقوق بشر در واکنش به مسدود ماندن مکتب‌ها به روی دختران بالاتر از صنف ششم در افغانستان، گفته است که بدون دختران و زنان آموزش‌دیده، کشور با آینده تاریک روبه‌رو است. دیدبان حقوق بشر روز یکشنبه، ۱۳ حمل، با نشر یک نوار تصویری در صفحه توئیترش نوشته که افغانستان تنها کشور در جهان است که دختران از رفتن به مکتب در آن شده‌اند. گفتنی است که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، این گروه دروازه مکتب را به روی دختران بالاتر از صنف ششم بسته است. با آغاز سال جدید تعلیمی همچنان دختران از حق آموزش محروم مانده‌اند.



سفیر فرانسه:

برای افغانستان پس از طالبان باید آماده‌گی گرفت



وی اضافه کرده که بربریت، کشتار و نقض حقوق بشری جاری در افغانستان، به گواهی مورخان بدتر از شرایط «قرون وسطا» است. از جانبی، صابره سخی، رییس «انجمن کلبه دوست پاریس» و از برگزارکننده‌گان این نشست، گفته است که افغانستان سرزمین اقلیت‌های قومی است و هیچ گروه قومی به تنهایی اکثریت را تشکیل نمی‌دهد. به گفته او، اکثریت و اقلیت‌سازی که از دهه‌ها به این سو جریان دارد، یک پروژه سیاسی و به هدف تضعیف و زیر سلطه و ظلم قرار دادن سایر اقوام بوده است. او تاکید کرده که زنان و اقلیت‌های قومی مهم‌ترین مسایل اجتماعی و سیاسی افغانستان هستند که باید در روندهای بعدی مورد توجه جریان‌های سیاسی داخلی و جامعه جهانی قرار گیرند. گفتنی است که در حاشیه این نشست از تصویر بودای بامیان در شهرداری شهر آلفورد پاریس، یکی از شهرداری‌های نواحی پایتخت فرانسه، به‌عنوان نماد فرهنگی افغانستان و حمایت از مردم این کشور رونمایی شده است.

۸ صبح، کابل: سفیر فرانسه برای افغانستان می‌گوید که طالبان برای مدتی در افغانستان هستند و شهروندان این کشور باید برای افغانستان بعد از طالبان آماده‌گی داشته باشد. دیوید مارتینون، سفیر فرانسه برای افغانستان، شام روز شنبه، ۱۲ حمل، در جریان سخنرانی‌اش در نشست «زنان و اقلیت‌های قومی در افغانستان» در پاریس، پایتخت فرانسه، گفته است که طالبان به تعهدات‌شان عمل نکرده‌اند و از سوی دیگر عملیات شاخه خراسان گروه داعش که بیشتر هزاره‌ها را هدف قرار می‌دهد، به‌گونه دوام‌دار اجرا می‌شود. او در ادامه افزوده است که جامعه جهانی بنا بر چالش‌هایی که وجود دارد، مانند گذشته به افغانستان برنخواهد گشت، اما از برنامه‌های خوب در این کشور حمایت خواهد کرد. مارتینون تصریح کرده که طالبان یک گروه اسلام‌گرای قومی است که شیوه اعمال قدرت آنان افغانستان را به سمت جنگ‌های قومی گذشته سوق می‌دهد. به باور وی، این موضوع برای افغانستان بسیار ویرانگر و وحشت‌ناک است.

افراد ناشناس یک کودک ۱۲ ساله را در فاریاب حلق آویز کردند

۸ صبح، فاریاب: منابع محلی در فاریاب می‌گویند که افراد ناشناس یک کودک ۱۲ ساله را در این ولایت حلق آویز کرده‌اند. این رویداد روز یکشنبه، ۱۳ حمل، در روستای بیش‌بله از مربوطات ولسوالی قیصار ولایت فاریاب رخ داده است. به گفته منابع، افراد ناشناس این کودک را در بیرون از منزلش حلق آویز کرده‌اند. هرچند تاکنون انگیزه دقیق این رویداد معلوم نیست؛ اما منابع می‌افزایند که احتمال می‌رود او به دلیل خصومت‌های خانوادگی کشته شده باشد. مسوولان محلی طالبان ادعای کشته شدن این کودک را تکذیب کرده‌اند. سخنگوی فرماندهی امنیه طالبان در ولایت فاریاب گفته است که این کودک به دلایل نامعلومی خودکشی کرده است. گفتنی است که از چند ماه به این سو، رویدادهای جنایی در بخش‌های مختلف کشور افزایش یافته است. در تازه‌ترین مورد، روز جمعه، ۱۱ حمل، افراد ناشناس در کاپیسا یک کودک را کشته و جسدش را آتش زده بودند.





افغانستان و ترویج دانش باروش‌های پارتنری

در جنگی که گروه طالبان با دانش و اندیشه به راه انداخته و عزمی که برای بی‌سواد نگه داشتن یک نسل از دختران افغانستان جزم کرده است، اندیشیدن با راه‌های جایگزین را اجتناب‌ناپذیر کرده است. کسانی که دلسوز معرفت، دانش و نگران آینده میلیون‌ها فرزند آن سرزمین‌اند، ناچارند به روش‌هایی روی بیاورند شبیه جنگ‌های نیروهای آزادی‌بخش در برابر دشمنی متجاوز و سرکوبگر، در شرایطی نابرابر که جنگ متعارف امکان‌پذیر نیست. این خود از طنزهای تلخ و مرارت‌بار روزگار در سرزمین ما است که وضعیت ترویج دانش را بتوان با نمونه‌های مختلف جنگ و نبرد توضیح داد و با آن منطق به سراغش رفت.

مخالفت طالبان با دانش و اندیشه، دلایل و انگیزه‌های متعددی دارد؛ از بی‌باوری این گروه به علم و معرفت تا هراسش از آگاهی و دانایی شهروندان. تلاشی که این گروه برای افزایش فشار بر قشر تحصیل کرده کشور به راه انداخته تا به کوچیدن از وطن ناگزیر شوند، به این هدف است که عرصه برای یکه‌تازی‌ها و خوردوپردهای اعضای این گروه بیشتر هموار شود؛ زیرا هر ممانعتی از چور و چپاول، از خودرأیی و استبداد، و از سرکوب و شکنجه هنگامی صورت می‌گیرد که آگاهی و دانایی شهروندان بالاتر برود و آنان بتوانند سود و زیان‌شان را در مقیاس ملی و میهنی به شکل روشن‌تری تشخیص بدهند.

مهم این نیست که انگیزه طالبان برای در هم کوبیدن علم و معرفت و تبدیل افغانستان به بیابانی خشک و آفت‌زده چیست، مهم این است که چگونه می‌توان جلو این روند را گرفت و دست‌کم در عرصه ترویج دانش و حمایت از علم و پاسداری از فرهنگ، چه گام‌های موثری را می‌توان برداشت. هم اکنون شماری از مردم به ایجاد مکتب‌های خانگی روی آورده‌اند، شماری به ایجاد کورس‌های آموزشی خصوصی، شماری دیگر به برگزاری دوره‌های آموزشی در فضای مجازی و حتا شماری به راه‌اندازی مکتب‌های آنلاین و راه دور. تمام این تلاش‌ها ارزشمند است و کسانی که به جای تماشای بودن، دست به کاری زده‌اند قابل ستایش و تقدیرند؛ اما این تلاش‌ها کافی نیست و تنها به شمار محدودی از دختران افغانستان می‌رسد. افزون بر آن، امکان سلیقه‌ای شدن این برنامه‌ها، نبود نظارت از سوی مراجع تخصصی و مسوول، ناهمگونی محتویات آموزشی و ابهام در فلسفه آموزشی نهفته در پس هر یک از برنامه‌های آموزشی، سبب می‌شود که میزان موثریت و سودمندی آن‌ها با تردیدهایی همراه شود.

برای کار اساسی‌تر در این زمینه، باید موضوع را از این زاویه در نظر گرفت که آموزش و تحصیل از حقوق بنیادین بشر و از نیازهای بنیادین زنده‌گی در عصر کنونی است و رژیم‌هایی که کمر به محروم ساختن شهروندان از این حقوق می‌بندند، مشروعیت براندازی خود را به دست خود امضا می‌کنند. در واقع، چنین رژیم‌هایی به جنگ شهروندان عادی جامعه برخاسته‌اند و از این‌رو، براندازی آن‌ها به رسالتی انسانی ارتقا می‌یابد تا حقوق مردم به آنان بازگردانیده شود. براندازی چنین رژیم‌هایی و جایگزین کردن آن‌ها با نظام‌های برآمده از اراده مردم اساسی‌ترین راه حل است؛ اما تا آن زمان، بنا به اهمیتی که موضوع دانش و آموزش دارد، لازم است اقدام‌های مهم‌تری برای ترویج دانش روی دست گرفته شود؛ به‌ویژه تشویق سازمان‌های قدرتمند جهانی حامی سواد و تحصیل برای چاره‌جویی‌های کلان‌تر با استفاده از تکنولوژی دیجیتال. کاری که در این زمینه در افغانستان انجام شود می‌تواند نمونه‌ای از تلاش برای ناکام کردن رژیم‌های سرکوبگر در راستای محروم کردن مردم از دانش باشد.

مجاهد:

کشورهایی از داعش علیه طالبان استفاده می‌کنند



کابل: ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان، ضمن این که نگرانی کشورها در مورد فعالیت داعش در افغانستان را «تبلیغات» خوانده، بدون ذکر نام کشورها، آن‌ها را به بزرگ‌نمایی گروه داعش در افغانستان و استفاده از آن علیه طالبان متهم کرده است.

مجاهد در گفت‌وگو با تلویزیون ملی تحت مدیریت طالبان که ناوقت روز یکشنبه، ۱۳ حمل، نشر شده، گفته است که داعش یک درصد حمله‌های سابق طالبان را هم انجام نمی‌دهد.

او گفته است: «داعش گاهی مخفیانه و با مهارت حملاتی را انجام می‌دهد که نسبت به تجاری که ما داشتیم و مردم افغانستان آن را دیده‌اند، نزدیک به یک درصد است.»

مجاهد در حالی برخی کشورها را به بزرگ‌نمایی داعش در افغانستان متهم کرده است که پیش از این فرماندهی مرکزی ایالات متحده امریکا هشدار داده بود که داعش شش ماه بعد قادر به حمله علیه کشورهای خارجی از خاک افغانستان خواهد بود.

گفتنی است که داعش مسوولیت چندین حمله بزرگ در شهر کابل و سایر شهرهای کشور را از زمان سلطه طالبان تاکنون برعهده گرفته است.

سخنگوی طالبان علاوه کرده است: «آن‌ها [داعش] به‌گونه مخفیانه و با مهارت زیاد کوشش می‌کنند که از ازدحام مردم و شهرها استفاده سوء بکنند. گاهی وقت‌ها انفجارات و بعضی حملات می‌کنند که بسیار نسبت به تجاری که ما داریم و مردم افغانستان دیده‌اند، این نزدیک به یک فیصد مشکل است.»

مجاهد در حالی برخی کشورها را به بزرگ‌نمایی داعش در افغانستان متهم کرده است که پیش از این فرماندهی مرکزی ایالات متحده امریکا هشدار داده بود که داعش شش ماه بعد قادر به حمله علیه کشورهای خارجی از خاک افغانستان خواهد بود.

گفتنی است که داعش مسوولیت چندین حمله بزرگ در شهر کابل و سایر شهرهای کشور را از زمان سلطه طالبان تاکنون برعهده گرفته است.

دادستان طالبان: به‌زودی روند تحویل زندانیان ایرانی به تهران آغاز می‌شود

کابل: دادستان کل طالبان در دیدار با معاون سفیر ایران در کابل گفته است که این گروه به‌زودی فهرست زندانیان ایرانی در افغانستان را تکمیل و روند تحویل‌دهی این افراد به ایران را آغاز می‌کند.

سفارت ایران در کابل روز یکشنبه، ۱۳ حمل، با نشر توییتی از دیدار شمس‌الدین شریعتی، دادستان کل طالبان با سیدحسین مرتضوی، معاون سفارت ایران در کابل، خبر داده است.

در این دیدار دادستان طالبان خواستار ادامه روند بررسی پرونده‌های باقی‌مانده مربوط به اتباع افغانستان در ایران و ارجاع آن‌ها به افغانستان شده است.

او با اشاره به سفرش به تهران گفته است: «سفر به ایران و توافقات انجام‌شده میان طرفین مثبت و گامی رو به جلو برای حل برخی مسایل حقوقی و قضایی میان ایران و افغانستان از جمله مشکلات پیش‌آمده برای شهروندان افغانستانی در ایران بود.»

مشخص نشده است که به چه تعداد شهروندان ایران در زندان‌های افغانستان زندانی‌اند.

گفتنی است که در هفته‌های اخیر شمار زیادی از شهروندان زندانی افغانستان در زندان‌های ایران آزاد و به کشور منتقل شده‌اند.



بارش شدید ژاله در خوست برای کشاورزان خسارات هنگفت مالی برجاء گذاشت

۸ صبح، خوست: باشندگان ولایت خوست از بارش شدید ژاله و وارد شدن خسارات سنگین به کشاورزان در این ولایت، خبر می‌دهند.

باشندهگان این ولایت می‌گویند که پس از چاشت یکشنبه، ۱۲ حمل، بارش سنگین ژاله در ولسوالی صبری این ولایت به کشت‌زارهای گندم، سبزیجات و باغ‌های میوه این ولسوالی آسیب زیادی رسانده است.

به گفته آنان، بارش ژاله تا شام امروز جریان داشت.

در همین حال، کشاورزان در خوست می‌گویند که در یک هفته گذشته این دومین بار است که بارش ژاله سنگین، به کشت‌زارهای آنان آسیب می‌رساند.

کشاورزان اضافه می‌کنند که بارش ژاله، تمامی شگوفه‌های درختان میوه‌دار را به زمین انداخته و امید آنان را نسبت به برداشت حاصلات را از بین برده است.

گفتنی است که سه روز پیش مرکز و چند ولسوالی ولایت میدان‌وردک نیز گواه بارش سنگین ژاله بودند که در پی آن، کشاورزان این ولایت خسارت دیدند.

این در حالی است که ریاست هواشناسی تحت مدیریت طالبان روز گذشته از احتمال برف‌باری و بارش باران در شماری از ولایت‌های کشور خبر داده بود.



افزایش قتل‌های مرموز در بامیان؛ نوجوانی از سوی افراد ناشناس در سیغان کشته شد

ملا عبدالله سرحدی، والی طالبان، به منظور همدردی با خانواده شمس‌الحق به روستای بیانی رفته و به خانواده او وعده داده است که عاملان قتل شمس‌الحق را شناسایی و مجازات خواهد کرد.

حدود چهل روز پیش نیز اجساد تیرباران شده سه جوان از جمله دو برادر به‌نام‌های محمد آصف، محمد غنی و عبدالکریم، باشندگان روستای خشک‌دره ولسوالی سیغان بامیان پس از یک هفته مفقود شدن از درهای در مربوطات کوتل دندان‌شکن در مرز میان ولسوالی‌های سیغان و کهمرد بامیان پیدا شد.

مسوولان محلی طالبان در بامیان به خانواده‌های این جوانان نیز وعده داده‌اند که عاملان قتل آنان را شناسایی و مجازات می‌کنند؛ اما تا کنون به این وعده‌شان عمل نکرده‌اند.



۸ صبح، بامیان: منابع محلی در بامیان می‌گویند که نوجوان چهارده‌ساله‌ای از سوی افراد ناشناس در این ولایت کشته شده است.

این نوجوان که شمس‌الحق نام داشت، ساعت ۹:۰۰ شنبه‌شب، ۱۲ حمل، در روستای بیانی ولسوالی سیغان بامیان با شلیک گلوله به قتل رسیده است.

عبدالصبور فرزان سیغانی، سخنگوی والی طالبان در بامیان، با تأیید این رویداد گفته است که

طالبان درگیری درون‌گروهی‌شان را در پنجشیر تایید کردند

۸ صبح، پنجشیر: مسوولان محلی طالبان وقوع درگیری مسلحانه میان رییس دادگاه مرافعه و اعضای کمیسیون نظامی سمع شکایات طالبان در ولایت پنجشیر را تایید کرده‌اند.

نصرت‌الله ملک‌زاده، رییس اطلاعات و فرهنگ طالبان در پنجشیر، روز یکشنبه، ۱۳ حمل، گفته است که در اثر این درگیری عبدالله سدید، رییس دادگاه مرافعه طالبان در این ولایت و یک محافظش زخمی شده‌اند. او تصریح کرده است: «شب گذشته میان اعضای کمیسیون سمع شکایات و محافظین محکمه ولایت پنجشیر به اثر بررسی و جمع‌آوری تلفن‌های هوشمند، یک سوءتفاهم رخ داده است که منجر به شلیک‌های پراکنده شده و در نتیجه یک محافظ محکمه زخمی و رییس محکمه مرافعه زخم سطحی برداشته است.»

منابع محلی اما در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که در پی این رویداد هفت تن از اعضای طالبان زخمی شده‌اند.

زخمیان ناشی از این درگیری در حال حاضر در

شفاخانه ایمرجنسی پنجشیر تحت مداوا قرار دارند. گفتنی است که شنبه‌شب، ۱۲ حمل، میان طالبان بومی و اعضای پشتون‌تبار این گروه در ولایت پنجشیر درگیری مسلحانه صورت گرفت.

بربنیاد گزارش‌ها، این درگیری زمانی آغاز شد که اعضای کمیسیون نظامی سمع شکایات طالبان می‌خواستند ریاست محکمه این گروه را به‌دلیل نگهداری تلفن‌های هوشمند بازرسی کنند، اما محافظان رییس دادگاه طالبان مانع آن‌ها شدند و با مخالفت مولوی عبدالله روبه‌رو شدند. عبدالله سدید از منطقه خینج ولسوالی حصه اول پنجشیر است.

به گفته منابع، این درگیری حوالی ساعت ۱۰:۰۰ دوشنبه‌شب، ۱۲ حمل، میان آنان آغاز و برای سه ساعت ادامه پیدا کرد.

پیش از این نیز، درگیری خودی میان طالبان در ولایت‌های مختلف کشور رخ داده بود.

در آخرین مورد در اثر درگیری درون‌گروهی طالبان، دست راست ندامحمد ندیم، سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان، کسر کرده بود.

تعلیق کار زنان؛

دانشگاه‌های دولتی بامعضل کمبود استاد چگونه کنار می‌آیند؟

از ۱۰ مضمون را تدریس کند تا ۳۰ کریدت تکمیل شود. این استاد بازنشسته علاوه می‌کند که تدریس بیشتر از آن چه در قانون تحصیلات عالی کشور درج است، از یک سو استاد را خسته می‌سازد و از سوی دیگر کیفیت تدریس را پایین می‌آورد و در نهایت دانشجویان از تدریس معیاری محروم می‌شوند. در همین حال، استادان دانشگاه کابل چگونه‌گی کنار آمدن با کمبود استادان را بیشتر شرح می‌دهند و می‌گویند که شماری از استادانی که مکلف به تدریس ساعت‌های بیشتر شده‌اند، دانشجویان چندین صنف را در یک تالار جمع می‌کنند و همزمان به تدریس چند کریدت می‌پردازند. به گفته آنان، این شیوه تدریس چالش‌آفرین است و استادان به مشکل صنف را کنترل می‌کنند. دانشگاه‌های دولتی در پایتخت و ولایت‌ها در حالی با کمبود استاد مواجه‌اند که سقوط نظام جمهوری سبب شد صدها استاد دانشگاه کشور را ترک کنند. براساس معلومات تأییدناشده تنها در ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی همزمان با روی کار آمدن رژیم طالبان در افغانستان، حدود ۲۲۹ استاد دانشگاه از ولایت‌های کابل، هرات و بلخ به خارج از کشور رفتند. افزون بر این، وزارت تحصیلات عالی زیر اداره طالبان در پایان سمستر خزانی سال گذشته خورشیدی (۱۴۰۱) تحصیل دختران را به حالت تعلیق درآورد. همزمان با اعلام این تصمیم، استادان زن نیز خانه‌نشین شده‌اند. اکنون هزاران دانشجوی پسر در ۲۲ دانشگاه دولتی کشور تقریباً با وضعیت مشابهی روبه‌رویند.

شود. طبق اظهارات استادان دانشگاه‌ها و مکتوبی که از سوی دانشگاه کندز صادر شده است، وزارت تحصیلات عالی طالبان نیز در جریان قرار دارد که تعلیق کار زنان سبب کاهش تعداد استادان در نهادهای تحصیلی شده است. در حال حاضر استادان زن ماهی یک بار برای امضای حاضری به دانشگاه‌ها می‌روند و معاش خود را بدون امتیاز «مأکولات» در پایان ماه به دست می‌آورند. این استادان اما در قسمت تدریس هیچ مکلفیتی ندارند. یکی از استادان زن در دانشگاه کابل می‌گوید که در هفته چهارم هر ماه تنها در روزهای پنج‌شنبه که دانشگاه‌ها تعطیل‌اند، برای امضای حاضری خواسته می‌شوند و در روزهای دیگر اجازه ورود به دانشگاه را ندارند. او می‌افزاید که در مواردی نگرهبانان دانشگاه که طالب هستند، بالای لباس آنان انتقاد می‌کنند و یا به بهانه‌های مختلف آنان را توهین می‌کنند. از سوی دیگر، تدریس تا ۳۰ کریدت در یک هفته برای یک استاد کار ساده‌ای نیست. یکی از استادان بازنشسته دانشگاه به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «تدریس ۳۰ کریدت در یک هفته، کار آسانی نیست. هر استاد نیاز دارد به هر مضمون جدا آماده‌گی بگیرد. موضوع را پیش خود حل کند، محصل را بفماند و مطمئن شود که محصل درس را فهمیده است.» این استاد دانشگاه توضیح می‌دهد: «هر مضمون درسی در دانشگاه‌های دولتی بین یک تا چهار کریدت است. بنابراین یک استاد مجبور می‌شود در یک هفته بیش



با سقوط نظام جمهوری و روی کار آمدن رژیم طالبان، صدها استاد مسلکی و باتجربه دانشگاه‌ها، افغانستان را ترک کردند. در کنار این، تعلیق کار زنان از سوی طالبان سبب شد که صدها کادر زن از ادامه تدریس در دانشگاه‌های دولتی محروم شوند. این دو مورد اکنون معضل کمبود استاد در دانشگاه‌های دولتی را به میان آورده است. بیشتر دانشکده‌های دانشگاه کابل و نهادهای تحصیلات عالی دولتی در سطح ولایت‌ها با کمبود آموزگار مواجه‌اند. دانشگاه‌های دولتی برای کنار آمدن با این وضعیت، روی آموزگاران مرد فشار وارد می‌کنند تا ساعت‌های بیشتر درسی را پوشش دهند. استادان دانشگاه‌ها اما این شیوه مدیریتی را نادرست توصیف می‌کنند و خاطرنشان می‌سازند که تدریس بیش از حد آنان را خسته می‌سازد و روی کیفیت تدریس نیز تاثیر منفی برجا می‌گذارد. یکی از استادان دانشگاه دولتی در کندز به شرط حفظ هویتش به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که دانشگاه دولتی این ولایت به‌تازگی مکتوبی را به همه دانشکده‌ها فرستاده که طبق آن هر استاد مکلف است در جریان

یک هفته حدود ۳۰ کریدت تدریس کند. این استاد دانشگاه می‌افزاید: «مطابق این مکتوب یک استاد مکلف است ۱۵ مضمون را تدریس کند، در حالی که قانون تحصیلات عالی مکلفیت یک استاد را سه مضمون یا هشت کریدت دانسته است.» مکتوب دانشگاه مرکزی کندز که به دانشکده‌ها فرستاده شده و یک نقل آن در اختیار روزنامه ۸ صبح قرار گرفته، نیز تأیید می‌کند که تعلیق کار زنان از سوی طالبان سبب شده که این دانشگاه با کمبود استاد مواجه شود. در این مکتوب آمده است: «قسمی که در جریان قرار دارید، فعالیت‌های اداری و کار زنان در ادارات امارتی الی امر ثانی معطل قرار داده شده است که بی‌تردید استادان اثاث این نهاد علمی نیز مشمول این امر می‌باشند. بدین ملحوظ موضوع فوق سبب افزایش حجم ساعات درسی در زمره‌بندی مضامین به استادان ذکور گردیده است.» در این مکتوب همچنان آمده است: «مطابق هدایت مقام محترم وزارت تحصیلات عالی ا.ا.ا، در صورتی که دانشکده‌های محترم با کمبود استاد مواجه شوند، الی تکمیل بستانهای کمبود، مکلفیت درسی هر یک از استادان محترم (۳۰) کریدت در هفته در نظر گرفته

فہیم امین

نماز تراویح جبری؛

طالبان در هرات مردم رالت و کوب می‌کنند

روند بازرسی و لت و کوب افرادی که در هنگام نماز تراویح در مسجدها حاضر نمی‌شوند، در شهر هرات عمومی نیست، بلکه شماری از افراد طالبان در مناطق مشخص دست به این کار می‌زنند. خود این افراد نیز در هنگام نماز تراویح بیرون از مسجد هستند و به دنبال کسانی می‌گردند که این نماز را در مسجد نمی‌خوانند.

این عالم دین می‌گوید: «شریعت اجازه نداده به خاطر یک امر سنت، مردم مجبور ساخته شوند. نماز تراویح سنت است و خواندن آن با جماعت، سنتی جداگانه است. ممکن فرد نماز تراویح را در خانه بخواند، پس حکومت اسلامی حق ندارد فرد را مجبور بسازد.» این در حالی است که در هیچ‌یک از کشورهای اسلامی حکومت‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا افراد را جبراً وادار به ادای نماز تراویح نمی‌کنند. طالبان در کنار نماز تراویح، در روزهای جمعه نیز دکان‌داران و دست‌فروشان را وادار به ترک کار می‌کنند. محتسبان وزارت امر به معروف در کابل روزهای جمعه پیش از نماز در جاده‌ها گشت‌زنی می‌کنند و به دکان‌داران دستور می‌دهند که دکان‌ها را قفل کنند و به نماز جماعت حاضر شوند. در کنار این، طالبان در جریان کمتر از دو سال گذشته محدودیت‌های زیادی بر باشندگان هرات وضع کرده‌اند. بسته بودن مکاتب متوسطه و لیسه دخترانه، دانشگاه‌ها و خوابگاه‌های دخترانه، حمام‌های عمومی، پارک‌های تفریحی، نوعیت لباس و سفر بدون محرم از محدودیت‌هایی است که بالای زنان وضع شده است. افزون بر این، بسته شدن کافه‌ها و قلیان‌خانه‌ها، گیم‌زون‌ها، انترنت کلب‌ها، دود کردن قلیان در نشست‌های تفریحی، اصلاح موی به مدلی که طالبان آن را غربی می‌گویند، کوتاه کردن و یا تراشیدن ریش و غیره از محدودیت‌هایی است که بالای مردان در هرات وضع شده است. این محدودیت‌ها باشندگان هرات را به ستوه آورده است.



عمومی نیست، بلکه شماری از افراد طالبان در مناطق مشخص دست به این کار می‌زنند. خود این افراد نیز در هنگام نماز تراویح بیرون از مسجد هستند و به دنبال کسانی می‌گردند که این نماز را در مسجد نمی‌خوانند. باشندگان هرات می‌گویند که مقام‌های طالبان باید در این رابطه به جنگ‌جویان خود تفهیم کنند که حاضر کردن مردم به نماز با زور نتیجه خوبی در پی ندارد. شماری از عالمان دین اجبار افراد برای ادای نماز تراویح در جماعت را خلاف شریعت توصیف می‌کنند و می‌گویند که طالبان حق ندارند به خاطر نماز تراویح شهروندان را لت و کوب کنند. مولوی عبدالناصر (نام مستعار) یکی از عالمان دین در هرات، به روزنامه ۸ صبح توضیح می‌دهد که نماز تراویح در ذات خود سنت است و ادای آن در مسجد با جماعت، سنتی جداگانه است.

را جست‌وجو می‌کنند. سمیه، باشندگی دیگر ناحیه یازدهم شهر هرات، می‌گوید که شوهرش همه شب‌های رمضان به نماز تراویح می‌رود، اما شب سه‌شنبه، ۸ حمل، به علت بیماری پسرش به مسجد نرفته بود. خانم سمیه می‌افزاید که شوهرش ساعت ۰۹:۰۰ شب از خانه بیرون شده و به دکان رفته بود، اما از سوی افراد طالبان لت و کوب شد. این باشندگی هرات توضیح می‌دهد که افراد طالبان آدرس خانه او و دکان‌دار منطقه را گرفته و به آنان هشدار داده‌اند، در صورتی که شب‌های بعدی در جماعت حاضر نباشند، با برخورد شدیدتر آنان روبه‌رو خواهند شد. روند بازرسی و لت و کوب افرادی که در هنگام نماز تراویح در مسجدها حاضر نمی‌شوند، در شهر هرات

۸ صبح، هرات

به دنبال وضع محدودیت‌های سخت‌گیرانه توسط طالبان بر شهروندان، افراد این گروه در هرات ادای نماز تراویح با جماعت را نیز اجباری ساخته‌اند. شماری از جنگ‌جویان طالبان در بخش‌هایی از شهر هرات این شب‌ها به دنبال افرادی‌اند که در هنگام نماز تراویح به مسجد نمی‌روند. باشندگان هرات می‌گویند که این اعضای طالبان به جای حضور در صف‌های مسجد، عابران، دکان‌داران، دوافروشان و افرادی که بنا بر دلایلی به نماز نرفته و در هنگام نماز تراویح مصروف خرید و یا گشت‌زنی باشند را بازرسی می‌کنند و مورد لت و کوب قرار می‌دهند. شریف احمد (نام مستعار) یکی از باشندگان ناحیه یازدهم شهر هرات است که در منطقه «جاده امید» دواخانه دارد. دواخانه شریف احمد بنا بر نیاز مردم تا نیمه‌های شب باز است. این باشندگی هرات در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که افراد طالبان هفته گذشته بین ساعت‌های ۹ تا ۱۰ شب وارد دواخانه شده و با کلمات نامناسب او را سرزنش کرده‌اند که چرا به نماز تراویح نمی‌رود. شریف احمد اضافه می‌کند: «به دواخانه‌ام هجوم آوردند، کلمات رکیک و زشت در ماه مبارک رمضان برایم گفتند. با سیلی و لگد مرا زدند. با لحن غیرانسانی گفتند بار بعد اگر دواخانه‌ات در وقت نماز تراویح باز بود، از خود گله کن. هشدار دادند که همه شب‌ها می‌گردند و افرادی که به نماز تراویح نروند

طالبان و قتل‌های ناموسی؛

رسمیت بخشیدن به زن‌کشی



ف.س

نوشته حاضر به زن‌کشی، ارتباط آن با ناموس و غیرت و همچنان رسمیت بخشیدن به آن از سوی رژیم حاکم می‌پردازد.

قتل سرپوشیده

خشونت مردان بر زنان در خانواده از جمله تجربیات مشترک بسیاری از زنان است؛ اما در جامعه ما به دلایل مختلف این خشونت‌ها پوشیده مانده است. با آن‌که گزارش‌هایی از زن‌کشی موجود بوده، ولی آمار دقیقی از آن که بتوان براساس آن از وقوع تمام این حوادث جويا شد، در دسترس نیست. در جمهوری اسلامی افغانستان با آن‌که یکی از اهدافش را مبارزه با خشونت علیه زنان اعلام می‌کرد، ولی کار بنیادی که منجر به کاهش این خشونت‌ها شود، انجام نشد. در بیشتر اوقات با کم‌دقتی و عدم پی‌گیری، پرونده‌های زن‌کشی زیر نام «خودکشی» بسته می‌شد.

براساس گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۷ در افغانستان ۲۸۰ تن زنان خانواده خود را به خاطر کلمه «ناموس» کشته‌اند. از این تعداد فقط ۵۰ تن آن‌ها محکوم شده‌اند. اما به نظر می‌رسد این ارقام به دلیل ناامنی، کمبودی‌های مدیریتی موجود در ادارات دولتی و عدم دسترسی به همه مناطق، دقیق نبوده و آمار واقعی بیشتر از این است. سستی مجریان قانون و از طرف دیگر خانواده‌هایی که حاضر به سپردن قضیه به دست قانون نمی‌بودند، دلیل این سرپوشیده‌گی است. مسؤولان هم که مدام شعارهای مبنی بر «رفع خشونت علیه زنان» می‌دادند، در عمل هیچ‌گونه اقدام کارسازي نکردند. بدین لحاظ، میزان قتل‌های ناموسی در افغانستان مخفی و سرپوشیده مانده است.

برادران «باغیرت» و پدران «ناموس پرست»

حمایت خانواده امری پسندیده در همه جوامع است؛ اما وقتی این حمایت در قالب تعصب بیمارگونه تنها به جنسیت زن تقلیل پیدا کند، زن تبدیل به ناموس می‌شود. از آن‌جایی که در باورهای مذهبی جامعه ما مرد به‌عنوان سرپرست زن تعریف شده است، به مردان حق کنترل زنان را می‌دهد. به‌گونه مثال، در صورتی که مرد آبروی خود را (اگر در پیوند به زن باشد) در خطر ببیند، به خود حق می‌دهد که بدن زن و تمایلات او را کنترل کند. در ارزش‌های فرهنگی جامعه ما نیز مرد بایستی با غیرت‌مندی از ناموس خود محافظت کند. غیرت در متن اجتماع به معنای محافظت از زن و آبروی خانواده تعریف شده و مقبول اجتماع است. خلاف باور عمومی اما غیرت هیچ‌گاهی در جهت رهایی زن عمل نکرده است. در خوش‌بینانه‌ترین حالت به معنای محافظت مردان از زنان و در بدترین حالت به نمادی از حذف زن برای

مذکر را تثبیت می‌کنند و هر عملش را به نفع دختر می‌خوانند. اما واضح است پدری که دخترش را به قتل می‌رساند، نمی‌تواند ادعا کند که خیر و صلاح دختر مد نظرش بوده است. این آشکارترین جلوه ناموس‌پرستی است که به رسوایی خود او می‌انجامد. ولی با این هم مدافعان نظام پدرسالار سعی بر تزئین کردن «اقتدار پدران» به اشکال متفاوت آن می‌کنند.

طالبان و زن‌کشی

طالبان نماینده‌گان مردسالاری سنتی‌اند. در مردسالاری سنتی، نگاه به زن «شی‌انگاران» است. در این نگاه، زن موجودی است که هویت مستقل ندارد، در ملکیت مرد است و در پیوند با مرد هویت می‌گیرد. عمل‌کرد زنان به عرصه خصوصی محدود است و حق دسترسی به سیاست و حوزه عمومی را ندارند. در نتیجه این سیاست‌ها منجر به زن‌ستیزی لجام‌گسیخته در جامعه شده که به مردان حق هر نوع کنترل بر زن را در جایگاه پدر، برادر و شوهر داده است. از آن‌جایی که زنان از همه حقوق‌شان تحت لوای این نوع رژیم‌ها محروم‌اند، نه‌تنها صدای‌شان به گوش کسی نمی‌رسد، بلکه صدای‌شان را بلند کرده هم نمی‌توانند؛ چیزی که امروزه جریان دارد. طالبان شرایطی را به وجود آورده‌اند که زنان را در معرض آسیب‌های جانی قرار داده است.

زبان رژیم طالبان، زبان خشونت بر بدن زن است. در رژیم گذشته طالبان، خود این‌ها زن‌کشی را برعهده گرفته بودند. در ۲۰ سال گذشته نیز در مناطق تحت سلطه طالبان، زنان به دلایل مختلف سنگ‌سار و کشته شدند. رخشانه، دختر سیزده‌ساله که در ولایت غور در سال ۱۳۹۴ سنگ‌سار شد، نمونه‌ای از زن‌کشی طالبان در سال‌های گذشته است. همچنان، براساس سیاست زن‌ستیزانه که امروز طالبان به اجرا درمی‌آورند، این گروه حضور زنان در فضای عمومی و مرادها آن‌ها با مردان را نمی‌پذیرد؛ چون زن را موجودی اغواگر می‌داند که موجب برانگیختن شهوت مردان بیگانه می‌شود. پس بر این اساس، خواست طالبان این است که هر زن باید سرپرست داشته باشد تا از او به‌عنوان ناموس خویش محافظت و حراست کند.

زن‌کشی در منظومه فکری طالبان امری پذیرفته شده است. سیاست‌های جنسیتی آن‌ها نیز عملاً منجر به زن‌کشی می‌شود. قتل‌های ناموسی در این رژیم، نه‌تنها جنایت نیست، بل حتا قابل چشم‌پوشی پنداشته می‌شود. بدون این‌که بخواهد از جنایت‌هایی مثل قتل ناموسی پیش‌گیری کند، سعی می‌ورزد آن را نادیده بگیرد. در واقع، همین نادیده گرفتن سبب می‌شود که توحش مردسالاری شکل فجیعانه‌تری در جامعه به خود بگیرد.

رژیم طالبان هیچ قانون بازدارنده‌ای در خصوص زن‌کشی وضع نکرده است. زنانی که از سوی خانواده‌های‌شان مورد تهدید جانی قرار می‌گیرند، جای امنی برای پناه بردن به آن ندارند. خانه‌های امنی که در حکومت قبلی برای حفاظت از زنان خشونت‌دیده موجود بودند، با تسلط طالبان بسته شده‌اند. همچنان مراکزی که بتوانند به افراد در معرض خشونت مشورت دهند یا کمک کنند، وجود ندارد. در قتل‌های ناموسی، این‌که خانواده و فرهنگ ناپسند دخیل است یک سوی قضیه است، اما سوی دیگر آن مربوط به مسؤولان می‌شود؛ ولی امروز هیچ سازمان حمایتی و پناهگاهی برای زنان وجود ندارد.

برای کاهش زن‌کشی یا قتل ناموسی اگرچه آگاهی‌دهی به زنان و تلاش خود آنان موثر است، اما مورد اساسی که باید اصلاح شود، قوانین و باورهای غلط است که راه زن‌کشی را هموار می‌سازد. در وضعیت موجود افغانستان، رژیم حاکم فرهنگ سلطه مردان را در جامعه تزریق می‌کند و خود نیز عمل‌کردش جنسیت‌زده است. طالبان باورهایی را رایج می‌سازند که در آن صاحب اختیار زنان، مرد است. این نوع نگاه سبب عادی‌سازی خشونت بر زنان شده است. حال زنان با دو گروه در مبارزه‌اند: یکم، فرهنگ و ارزش‌های زن‌ستیز در جامعه؛ و دوم، رژیم طالبان که به ارزش‌های زن‌ستیزانه جلوه قانونی بخشیده است.

جنایت‌های ناموسی یا قتل

ناموسی، اغلب به قتل زنان

یک خانواده به دست مردان

خویشاوند زن گفته می‌شود.

این نوع قتل به «قتل به خاطر

آبرو» نیز معروف است. هرچند

«قتل مبتنی بر داعیه ناموس»

از زاویه دید حقوق بشر جنایت

تلقی شده است، ولی به‌طور

گسترده در جوامع سنتی و

بسته اتفاق افتاده و امری قابل

قبول پنداشته می‌شود.

برجا ماندن آبروی مردان در جامعه است.

بدین‌سان، قتل‌های ناموسی نیز به دست برادران و پدرانی که خود را «باغیرت» و «ناموس‌پرست» می‌دانند، رخ می‌دهد. در اصل برای آن‌ها، جان دختر یا خواهرشان مهم نیست، بلکه حفاظت از آبروی اجتماعی‌شان در اولویت قرار دارد. برای این‌گونه مردان، زن در صورت تخطی از حلقه‌ای که برایش ترسیم شده است، باید مجازات شود و در صورت «آبروریزی» به مجازات مرگ محکوم گردد. انگ بی‌ناموسی و بی‌غیرتی که جامعه به مردان خانواده بار می‌کند، چنان بر شانه‌های‌شان سنگینی می‌نماید که مردان خانواده حاضر به انجام جنایت هولناک زن‌کشی می‌شوند تا خودشان را از این برچسب پاک سازند. گویا هر قدر زن به شکل فجیعانه‌تر کشته شود، «آبرو و حیثیت بر باد رفته» خانواده دوباره به جایگاه اصلی‌اش برمی‌گردد. نمونه‌های این‌گونه مردان باغیرت در جامعه ما کم نیست.

نظام پدرسالار

در نظام‌های سنتی که مبتنی بر فرهنگ بسته و قبیله‌ای‌اند، قتل مبتنی بر جنسیت در جامعه به یک امر خصوصی تقلیل داده شده و سعی می‌شود تا به روش‌های مختلف این نوع قتل‌ها را توجیه کنند. از سویی، در نظام پدرسالار رنگینی خون زنان باعث پررنگی تقدس مالکیت مردانه می‌شود که متأسفانه در جامعه همه به اندازه‌های متفاوت در آن دست دارند. به قول یعقوب یسنا، نویسنده کتاب «زن‌نامه»، زن‌کشی در افغانستان یک ارزش است. مردان خانواده حاضر به حمایت از زن، در صورتی که مورد تجاوز قرار بگیرد، نمی‌شوند. در عوض می‌خواهند با کشته شدن زن که حالا لکه ننگ پنداشته می‌شود، آبروی خویش را حفظ کنند.

در جامعه‌ای مثل افغانستان که روابط خویشاوندی میان مردم مستحکم است و کنترل شدیدی بر همه چیز دارد، ناموس‌پرستی حاکم است و فردیت زن انکار می‌شود. جسم زن از آن خود او نیست و اگر با مرد بیگانه رابطه داشته باشد، بدان معنا است که در مالکیت مردانه بر وجود زنانه خللی وارد شده است و فرهنگ پدرسالار باید وارد عمل شود. هر نوع خلل در مالکیت وجود زن، مردان خویشاوند را دردمند و رنجور می‌سازد. برای تلافی این تخطی در مالکیت مردانه، زن که مسبب آن است، باید از بین برده شود تا خویشاوندان نفس راحت بکشند.

جامعه، فرهنگ، نظام معرفتی ما و رژیم حاکم -پرچم‌داران نظام پدرسالار- معمولاً نقش توجیه‌گرانه در خصوص قتل‌های ناموسی دارند. فرهنگ ما با این گزاره که «هر پدری صلاح دخترش را می‌خواهد» مهر تایید بر زن‌کشی زده، بدیهی بودن برتری عقل

بے بے گل کراچے مے راند



بی بی گل در صحبت با روزنامه ۸ صبح می گوید که همروزه با کراچی دستی اش در نزدیکی دانشگاه کابل گشت و گذار می کند و بار شهروندان را از ایستگاه به خانه های شان می رساند و از همین طریق یک مقدار پول به دست می آورد.

۸ صبح، کابل

تسلط طالبان بر افغانستان دامنه فقر را به گونه بی پیشینه ای گسترش داده است. بیکاری اوج گرفته و هزاران شهروند کشور شغل هاشان را از دست داده اند. از بین رفتن هزاران شغل با سقوط نظام جمهوری، فرصت های کاری برای مردان و زنان را به گونه جدی کاهش داده و حتا کسانی که کارهای شاقه می کردند نیز از نبود کار شکایت دارند. در کنار مردان، زنانی که نان آور خانواده ها بودند، اکنون با وضع محدودیت های روزافزون از سوی طالبان، با چالش های جدی اقتصادی مواجه شده اند.

بی بی گل، خانم کهن سال، یکی از زنانی است که مسوولیت تأمین مخارج خانواده بزرگی را برعهده دارد. فقر خانواده و بیکاری پسر جوانش او را واداشته تا دست به کار شود. این زن کهن سال همروزه با کراچی دستی اش در کنار جاده های پایتخت گشت زنی می کند و به دنبال کار است. او ۷۰ سال سن دارد و باشنده اصلی ولایت کندز است. این بیوه زن حدود ۲۰ سال پیش شوهرش را از دست داد و پنج سال پیش به دلیل شدت نبردها میان جنگجویان طالبان و نیروهای نظامی حکومت پیشین، کندز را به قصد کابل ترک کرد. بی بی گل با دو پسر جوان، یک عروس و هشت نواسه اش در خانه ای در حومه های پایتخت زنده گی می کند. یکی از پسرانش در نتیجه تصادف با موتور از ناحیه پای معیوب شده و پسر دومش همروزه سراغ کار می رود، اما بیشتر روزها با دستان خالی به خانه برمی گردد. روزگار سخت این خانم کهن سال را واداشته خودش دست به کار شود و برای تأمین مخارج خانواده ۱۳ نفری اش تلاش کند.

بی بی گل در صحبت با روزنامه ۸ صبح می گوید که همروزه با کراچی دستی اش در نزدیکی دانشگاه کابل گشت و گذار می کند و بار شهروندان را از ایستگاه به خانه های شان می رساند و از همین طریق یک مقدار پول به دست می آورد. او می افزاید: «هشت صغیر مانده از عروسم، خودش سرطان داشت و فوت شد. حالا اولادهاش را من سرپرستی می کنم. بعضی روزها چاشت می آیند که مادرکلان گرسنه هستیم. اگر کسی برای چیزی داده بود یا هم از وسایلی که برای فروش می آورم، مثل چوب های غلتکی و تخته، فروخته شده باشد، چیزی به آنان می گیرم. اگر نه، پیش من گرسنه می نشینند تا شام. باز می رویم خانه.» این خانم کهن سال علاوه می کند که بیشتر افراد از او می پرسند که چرا در این پس پیری با کراچی دستی به دنبال کار است. او اما توضیح می دهد که مجبور است. زمینه کار برای پسرانش فراهم نیست و اگر او کار نکند، نواسه هایش از گرسنه گی هلاک می شوند. بی بی گل در کنار مزدی که از بابت انتقال وسایل عابربان به دست می آورد، از دریافت کمک های نقدی و مواد غذایی نیز سخن می گوید: «زیاد کسانی که می گذردند می گویند: مادر کار می کنید، برای شان می گویم بلی، چون نان آور خانواده هستم و مجبور هستم کار کنم.

سوء استفاده طالبان از کمک های سازمان ملل

مردم از نحوه این کمک ها شکایت دارند. با وجود سرازیر شدن میلیون ها دالر، همروزه به جمعیت گرسنه گان و نیازمندان در افغانستان افزوده می شود. یکی از دلایل وجود صف طویل نیازمندان، این است که کمک ها به مردم مستحق داده نمی شود و طالبان در توزیع مواد غذایی و تهیه فهرست افراد و محلات نقش مهم و تعیین کننده دارند.



گزارش: سید محمود همزم

چندی پیش گزارش هایی نشر شده بود که گویا محموله های نقدی سازمان ملل در افغانستان در اختیار گروه طالبان قرار می گیرند و کمک های بشردوستانه جامعه جهانی به مردم افغانستان حیثیت می شوند. گروه طالبان این گزارش ها و ادعاها را رد کرده و گفته بود که هیچ گونه دخالتی در امور پولی و کمک رسانی نهادهای امداد رسانی ندارد. دفتر معاونت سازمان ملل در افغانستان (یوناما) نیز با انتشار بیانیهای این موضوع را در آن وقت رد کرد و پیرامون کمک های بشردوستانه گفت که هیچ پول نقدی به بانک مرکزی افغانستان تحت کنترل گروه طالبان تحویل داده نمی شود، بلکه تمام پول های نقد به حساب های مشخص سازمان ملل متحد در یک بانک خصوصی برای استفاده نهادهای وابسته به این سازمان نگه داری و از این وجوه برای کمک های بشردوستانه به میلیون ها افغان نیازمند استفاده می شود.

از سویی هم سازمان ملل متحد می گوید که بیش از ۲۵ میلیون افغان به کمک های بشردوستانه نیاز دارند و تا کنون ۱۸ میلیارد دالر کمک نقدی پس از حاکمیت طالبان به این کشور وارد شده است و این پول ها در اختیار طالبان نیست. با این حال، مردم از نحوه این کمک ها شکایت دارند. با وجود سرازیر شدن میلیون ها دالر، همروزه به جمعیت گرسنه گان و نیازمندان در افغانستان افزوده می شود. یکی از دلایل وجود صف طویل نیازمندان، این است که کمک ها به مردم مستحق داده نمی شود و طالبان در توزیع مواد غذایی و تهیه فهرست افراد و محلات نقش مهم و تعیین کننده دارند. مردم فکر می کنند که گروه طالبان افراد و اقارب خود را شامل فهرست نیازمندان می کنند و افرادی که واقعا به کمک نیاز دارند، از این کمک ها محروم می شوند.

حالا به گفته بعضی کارمندان محلی موسسات امداد رسانی، کارمندان دولتی و تبصره های مردم بیانگر این واقعیت تلخ است که مقدار قابل توجهی از این کمک ها از راه های مختلف در اختیار گروه طالبان و اقارب شان قرار می گیرد. وحیدالله، یکی از کارمندان محلی سازمان غذایی جهانی در ولایت بلخ، با تایید این خبر به ۸ صبح گفت که طالبان در موارد زیادی گروه های امداد رسانی را تشویق و گاهی هم مجبور می کنند تا در محلات خاصی که آن ها مشخص می کنند، مواد غذایی را توزیع کنند. به گفته او، طالبان این نهادها را مجبور می کنند که به خواسته های آنان تن دهند، در غیر آن نمی توانند کمک ها را توزیع کنند.

او می گوید که این موسسه امداد رسانی در ۱۵ ولایت فعالیت دارد و در بخش های تعلیم و تربیه، صحت و زراعت در هماهنگی با وزارت های مربوطه کار می کند. او این کمک ها را بسنده نمی داند و می گوید که در بسیاری ولایات خدمات معیاری صحتی، دوا و پرسنل طبی به خصوص از جمع زنان با کمبودی جدی مواجهند.

زیارت گل، یک دهقان فقیر باشنده ولسوالی امام صاحب ولایت کندز، می گوید که کمک ها عادلانه توزیع نمی شود. او که در زمستان سال گذشته کاشت گندم و کچالو و درختان میوه اش را یخ زد و تا حال هیچ گونه کمکی از نهادهای امداد رسانی دریافت نکرده است، می گوید: «کمک های سازمان ملل برای ما مردم غریب نیست. طالبان فهرست نهایی دریافت کننده گان کمک ها را ترتیب می دهند و افراد خود را شامل می کنند. این کمک ها به نام مردم خلاصه می شود، ولی به نیازمندان هرگز نمی رسد.»

یک مامور ریاست شاروالی کابل که خواست نامش گرفته شود، گفت: «بالتر از ۵۰ درصد کمک های سازمان ملل به روش های مختلف به گروه طالبان داده می شود. یکی از این مجراها، امامان مساجدند.» او می گوید که بسیاری از افراد استخباراتی طالبان در کابل و ولایات امامان مساجد تعیین شده اند و از چند جای معاش بلند دریافت می کنند. این امامان مساجد مردم محل را زیر نظر دارند و به صورت منظم به گروه طالبان گزارش می دهند. به گفته این کارمند اداره طالبان، ملایان مساجد از هر خانه ماهانه ۱۰۰ افغانی جمع آوری می کنند و همچنان از وزارت امور داخله و وزارت حج و اوقاف معاشات بلند می گیرند.

از سویی هم، این ملایان نقش مهمی در توزیع کمک های سازمان ملل دارند. ابتدا فهرست افراد مورد نظر توسط امامان مساجد و وکیلان گذر تهیه می شود و بعد با سازمان های امداد رسانی در میان گذاشته می شود و آن ها مطابق فهرست تهیه شده ماهانه به طور منظم به رویت کارت های ساخته شده مواد غذایی، سوخت، کود کیمیاوی و گندم اصلاح شده کمک می کنند. او می افزاید که بسیاری از افرادی که شامل فهرست می شوند، مربوط طالبان و از جمله جنگجویان و اقارب آنان هستند و از مردم محل و نیازمندان شمار اندکی در فهرست کمک ها گنجانده می شوند.

نظر به گفته این شاهدان عینی، طالبان از کمک های ملل متحد علاوه بر مالیات و سرمایه گذاری در بازارها، بخش بزرگی از کمک ها را غیرمستقیم به شیوه های مختلف دریافت می کنند.

مردم از نحوه نادرست توزیع و مدیریت این کمک ها انتقاد و پرسش های بسیاری را در مورد نحوه این کمک ها مطرح می کنند. در همین حال سازمان جهانی غذا در تازه ترین گزارش خود نگاشته است که افغان ها در سال گذشته با سطوح بی سابقه گرسنه گی و سوء تغذیه مواجه شدند.

اگر جلو راه های غیرمستقیم دریافت کمک های سازمان ملل توسط طالبان گرفته نشود، کمک ها به نیازمندان نخواهد رسید. قطعی و گرسنه گی که میلیون ها تن را تهدید می کند، فاجعه تلفات انسانی را به همراه خواهد داشت و برعکس طالبان از این کمک ها تقویت خواهند شد.

منع آموزش دختران؛ طالب از زن آگاه می‌ترسد



سویتا کریمی

یک سال و هفت‌ونیم ماه از بسته ماندن دروازه‌های مکاتب به روی دختران در افغانستان می‌گذرد و تا هنوز گروه کوردهن و تاریک‌بین طالب تصمیم به بازگشایی مکاتب نگرفته و آینده و سرنوشت هزاران زن و دختر را به بازی گرفته است. از سوئی، طالبان تا هنوز نتوانسته‌اند احادیث و آیات منوط به فرضیت علم بر زنان و مردان را در اسلام پیدا کنند؛ آن‌جایی که میان چشم بینای عالم و دیده نابینای جاهل مقایسه می‌کند.

خداوند انسان‌ها را آزاد آفریده است و هر انسان دارای حق و حقوقی است. زمانی که از حقوق زن نام می‌بریم، شامل تمام حقوق و امتیازاتی می‌شود که یک شخص من حیث یک انسان دارا است. اسلام به تعلیم و تحصیل اهمیت زیادی داده است. تحصیل علم و کسب دانش از احکامی است که زن و مرد در آن مشترک‌اند و هرگز دین اسلام جنسیت را سد راه دانش‌اندوزی نمی‌داند؛ چون علم را نور و بینایی و جهل را ظلمت و کوری می‌داند.

آموختن علم مختص به مردان و گروه خاصی نیست. زنان نیز مانند مردان از این حق برخوردارند و همانند مردان می‌توانند در هر زمینه‌ای که توانایی و استعداد دارند، تحصیل کنند و هیچ مانع شرعی و قانونی برای تحصیل‌شان وجود ندارد. زنان در تمام احکام عبادی و حقوق اجتماعی با مردان شریک‌اند و در هر زمینه و امری که مردان استقلال دارند، مانند حق میراث، معامله، تعلیم و تربیت و دفاع از حقوق و غیره، زنان هم مستقل‌اند. تمامی آیات و روایاتی که در مورد تحصیل و دانش آمده، عمومی است و شامل مرد و زن می‌شود. همچنان زنان در صدر اسلام نه تنها از حق تحصیل و دانش برخوردار بودند، بلکه این حق را هم داشتند که به تعلیم و نشر دانش بین زنان و مردان بپردازند. اگر زن تحصیل نکند و از احکام و شریعت و قانون

اطلاع نداشته باشد، نمی‌تواند به‌خوبی مسوولیت‌های خود را در جامعه و خانواده ایفا کند. این زنان هستند که در کنار مردان خانواده با پرورش سالم و تقدیم کردن فرزندان آگاه به جامعه، آینده و سرنوشت یک خانواده و اجتماع و یک کشور را رقم می‌زنند. پس آموزش و تحصیل زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نباید آن را نادیده گرفت، بلکه باید به آن ارج نهاد.

طالبان با بسته نگه‌داشتن مکاتب و دانشگاه‌ها، می‌خواهند زنان و دختران را از لحاظ روحی و روانی به گروگان بگیرند. آن‌ها به هیچ تعهد و پیمان و منشور بین‌المللی و اصول و احکام دینی پای‌بند نیستند. تنها فهم‌شان از دین و قانون این است که زنان نباید در

جامعه حضور و نقشی داشته باشند؛ زیرا این گروه مانند گذشته می‌خواهد بر زنان سلطه داشته باشد و یک جامعه مردسالار را حاکم سازد. زنان و دختران امروز اما آن قدر باهمت، شجاع و دلیر هستند که برای به دست آوردن حقوق اولیه‌شان از جمله حق تعلیم و تحصیل ایستاده‌گی کنند و تا دست‌یابی به آن به مبارزه ادامه دهند. بنابراین، هیچ تاریک‌بینی چون طالبان نمی‌تواند مانع پیشرفت یا کسب علم و دانش این زنان و دختران شجاع شود. آن‌ها به هر طریق ممکن، دست از تعلیم و تحصیل برنخواهند داشت.

طالبان عملاً در صدد حذف زنان از همه صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی‌اند. آن‌ها می‌خواهند با منع تعلیم و تحصیل، زنان را به انزوا

بکشند و هویت‌شان را نابود سازند. این ظلم و سیاست طالبانی دوام نخواهد آورد؛ زیرا وجود زنان در تمام جوانب یک مملکت نیاز مبرم و حتمی است. زنان نیمی از پیکر جامعه را تشکیل می‌دهند و اگر نیم جامعه فلج باشد یا محو شود، آن جامعه رو به زوال و نابودی است.

همه شاهدیم که در طول تاریخ هیچ قدرت و حکومت استبدادی‌ای دوام نیاورده، بلکه همه نابود شده‌اند. حکومت‌های استبدادی با استبداد و زور تفنگ و افکار تاریک و عقاید افراطی و برخورد مغرضانه خود نمی‌توانند دوام بیاورند. بسته نگه‌داشتن مکاتب توسط طالبان، تنها یک توجیه می‌تواند داشته باشد و آن هم این‌که این گروه به‌شدت مردسالار از پیش‌رفت و تحصیل زنان هراس دارد و به همین منظور با افکار تاریک خود نمی‌تواند این را درک کند که با محو زنان از اجتماع خودشان نیز محو خواهند شد. واضح است که این‌گونه تصامیم حاصل فهم ناقص دینی است.

تعلیم و تحصیل حق مسلم و شرعی زنان است و طالبان باید از گذشته درس بگیرند و نباید با این‌گونه تصامیم فهم ناچیز دینی خود را زیر پرسش ببرند؛ زیرا علم را اگر در دورترین نقطه جهان باشد هم باید آموخت. آموختن علم تنها راه نجات انسان از جهل و فقر و بی‌دینی است. محروم ساختن زنان و دختران از آموزش و تحصیل، به جز شدت گرفتن تنفر مردم نسبت به گروه طالبان، عدم همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های مختلف، فرار نسل جوان و مغزها و استعدادها، عدم سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و عدم رشد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پیامد دیگری نخواهد داشت.

به‌راستی گروهی که جز خشونت و نابودی، قدرت‌نمایی با زور تفنگ و زورگویی را تجربه نکرده و سال‌ها تفنگ‌به‌دست آواره در کوه‌ها و دشت‌ها، ناآشنا با قلم و کاغذ به سر برده است، از کجا باید اهمیت تعلیم و تحصیل را بداند و حداقل فهم دینی اندک و درست داشته باشد؟

دور دوم اداره سرپرست طالبان



شاید طالبان تصور می‌کنند که در ایران نیز ملاما حکومت مذهبی ایجاد کرده، با جهان در تنش‌اند و با مردم آن کشور با خشونت برخورد می‌کنند، ولی با وجود آن چهار دهه حاکم باقی مانده‌اند. نه حلقه‌های خارجی ملامای ایران را از قدرت کنار زده توانسته و نه توفان‌های داخلی سرتگوش کرده است. همین تصور در مورد حکومت خانواده سعودی وجود دارد. در قطر که گروهی از مسوولان طالب مدتی را سپری کرده‌اند، نیز یک نظام شبیه اداره طالبان حاکم است و آن حکومت‌ها با وجود کمبودی‌های بسیار پایدار مانده‌اند. طالبان احتمالاً فکر می‌کنند که در افغانستان نیز آنان می‌توانند یک اداره مستبد را استوار سازند.

این تصور اشتباه است. کشورهای سعودی، ایران و قطر در شرایط ژئوپولیتیکی و اقتصادی متفاوت به چنگ حکومت‌های غیرانتخابی و انحصاری افتاده‌اند. در آن کشورها نفت و گاز منابع رایگان و فراوان در اختیار حلقه حاکم قرار داده و اکنون پس از سال‌ها اقتصادشان در عرصه‌های دیگر نیز کم‌وبیش توسعه یافته است. در افغانستان هیچ‌یک از آن منابع موجود نیست، صنایع تولیدی رشد نکرده و دست طالبان در میدان‌های سیاسی، دیپلماسی و اقتصاد خالی است و به الفبای اصول این عرصه‌ها را بلد نیستند. لذا در این شرایط نمی‌توانند در رابطه خود با قدرت‌های بزرگ توازن را نگه دارند. وقتی طالبان برای مصارف عادی خود منابع مالی ندارند، از توانایی دیپلماتیک برای بهره‌برداری از موقعیت استراتژیک کشور بی‌بهره‌اند و با کشورهای منطقه و جهان روابط سازنده برقرار نمی‌توانند تا خود را از انزوا بیرون کنند. لذا، مقایسه این گروه با حاکمان عربستان، قطر و عربستان بی‌اساس است.

دیگر این‌که طالبان حکومت متکی بر زور و شلاق خود را یگانه نمونه حکومت اسلامی در جهان می‌خوانند و مدعی‌اند که در هیچ کشور اسلامی دیگر شریعت رعایت نمی‌شود. از هر زاویه‌ای که نگاه کنیم، بار طالبان کج است و به یقین می‌توان گفت که این بار کج به منزل نخواهد رسید.

مطابق نیازهای دولت‌داری و نه مطابق نیاز زمان و عقاید مردم است، بلکه محصول عقب‌مانده‌گی خود آن گروه است که عنوان شریعت برایش داده‌اند و می‌کوشند مردم افغانستان و جامعه جهانی را با آن فریب بدهند.

بنیاد یک نظام اگر این‌گونه گذاشته شود، دوام نخواهد کرد؛ چرا که از یک سو خلای نظام را این گروه نمی‌تواند پر کند و آنان فاقد تجربه و تخصص لازم در این کارند و از سوی دیگر ملت و جهان آن را نمی‌پذیرند. لذا اداره سرپرست طالبان، این دوره نیز عمر کوتاه خواهد داشت؛ چرا که برخی اقدامات برای ایجاد نظام، بنیادی می‌باشند و طالبان به آن‌ها یک شانزده‌پولی هم ارزش قابل نیستند. زمانی که حاکمان با چنان مسایل مهم و حساس این‌گونه برخورد نادرست و سرسری کنند، روند فروپاشی و شکست اداره خود را در واقع تسریع می‌کنند. قتل مرموز مقام‌های آن گروه در شهرهای تحت حاکمیت طالبان، حکایت از آغاز فروپاشی اداره‌شان دارد.

این‌که روند ایجاد اداره غیرطالبانی در افغانستان چه‌قدر وقت خواهد گرفت، به اقدامات آینده طالبان، تفاهم مردم ما با جهان و اتفاقات جهانی بستگی دارد. با توجه به تحولات سریع جهان امروز، می‌توان حدس زد که در آینده نزدیک اداره طالبان با نزول شدید روبه‌رو خواهد شد. تجربه ثابت کرده است که هیچ اداره‌ای در جهان به این شیوه دوام نمی‌آورد.

را وزیر خارجه افغانستان نه، بلکه وزیر خارجه طالبان می‌خوانند. پیش من این سوال مطرح می‌شد که وقتی طالبان بر این سرزمین حاکم‌اند، آیا وزیر آن گروه وزیر افغانستان است یا خیر؟ این‌که آنان قدرت را به زور گرفته بودند یا نه، مساله جداگانه بود، ولی در هر حال قدرت را عملاً در اختیار داشتند، امور کشور را اداره می‌کردند، ولی با وجود آن تا آخر حکومت طالبان، حکومت افغانستان نشد، وزیرشان وزیر افغانستان نگردید، نماینده‌شان نماینده دولت افغانستان به شمار نیامد، جهان به رسمیت‌شان نشناخت، تعامل اقتصادی و دیپلماتیک با اداره آن گروه برقرار نگردید و در سطح ملی و جهانی منزوی باقی ماندند و عاقبت با زور نظامی از قدرت کنار زده شدند.

در آن دوره، طالبان انعطاف نشان نمی‌دادند و این بار نیز با همان روش انعطاف‌ناپذیر سرسختانه ایستاده‌اند. آن زمان زنان را از کار، تعلیم، سفر و گشت‌وگذار آزاد و دیگر حقوق اساسی محروم کرده بودند و این بار نیز همان سیاست را تعقیب می‌کنند. آن زمان هم بر رسانه‌های آزاد محدودیت وضع کرده بودند و اکنون نیز. آن زمان کسی حق انتقاد نداشت، اکنون نیز کسی نمی‌تواند آزادانه اعتراض کند. در آن وقت قدرت تنها در انحصار ملاما بود، امروز نیز غیر از ملا کسی به مقام‌های باصلاحیت توظیف نمی‌شود.

خلاصه تمام آن خطاهای دوره قبل خود را موبه‌مو تکرار می‌کنند و هر روز فهرست اشتباهات و برخوردهای ضدمردمی‌شان طولانی‌تر می‌شود. این‌همه هم‌سانی بین موضع، جایگاه و رفتار طالبان نشان می‌دهد که اداره این گروه، نظام افغانستان نیست، بلکه اداره گروهی است که نه در سطح ملی و نه در سطح بین‌المللی مشروعیت دارد. گروه زورگویی حاکم تنها با نام دین می‌کوشد مردم و جهان را فریب دهد. جز سوءاستفاده از دین و تهدید به مرگ، هیچ وسیله دیگری برای تعامل با مردم و جهان ندارد. آنان با روحیه بدوی که دارند، هیچ اهل تعامل نیستند. آنان کارهایی را که زیر نام دولت انجام می‌دهند، نه

اتل سالار هاشمی

جهان امروز نیز به اداره طالبان مثل دوره قبل، به چشم یک اداره سرپرست می‌بیند. طالبان در دوره گذشته نه در داخل کشور مشروعیت داشت و نه در سطح جهان. در دوره گذشته پاکستان حامی استوار طالبان بود و حکومت آن گروه را به رسمیت شناخته بود، اما این بار آن دوست یگانه نیز خود را کنار گرفته است. هیچ کشوری تاکنون در جهان حاضر نشده است تا اداره طالبان را به رسمیت بشناسد. این گروه همان‌طوری که در داخل فاقد مشروعیت است، در جهان نیز مشروعیت ندارد و از سیاست و دیپلماسی جهان منزوی شده است.

طالبان این بار فکر می‌کردند که وقتی با زور به قدرت برسند، تنها نیروی حاضر در میدان خواهند بود و جهان مجبور به تعامل سیاسی و دیپلماتیک با آنان خواهد شد. آنگاه مردم بدیل دیگری نداشته و به نظام آن گروه گردن خواهند نهاد.

البته مدتی پس از آن‌که آنان قدرت را به دست گرفتند، برای‌شان آشکار شد که با آن شرایط نه جهان حاضر به تعامل است و نه مردم. به دلیل نفرت و ترس بسیار از طالبان، صدها هزار تن به کشورهای دیگر پناه بردند و هنوز هر روز هزاران تن به ایران و پاکستان مهاجر می‌شوند. آنانی که به خارج کشور رفته بودند، همان‌جا ماندند و به کشور برگشتند. از سوی دیگر، جهان خلاف تصور طالبان، اداره آن گروه را به رسمیت نشناخت و حتا کشورهای همکار و بسیار نزدیک به طالبان، پاکستان و ایران، نیز در به‌رسمیت‌شناختن طالبان دچار تردید شده و تا کنون در آن تردید باقی مانده‌اند.

من در دوره قبلی حاکمیت طالبان در افغانستان بودم و رادیوهای جهان را می‌شنیدم. رسانه‌ها اداره طالبان را با عنوان‌هایی چون حاکمان افغان، حکومت افغانستان یا مقام‌های دولت افغانستان نمی‌خواندند، بلکه اداره طالبان و امارت طالبان می‌گفتند. وزیر خارجه آن گروه

خصومت حاکمان عقب مانده با زنان شهری



عمده‌ای که خبرنگاران در قلمرو طالبان با آن مواجه می‌شوند، این است که مسؤولان طالبان اجازه ندارند با خبرنگاران مصاحبه کنند. فقط برخی اعلامیه‌ها به نام وزارت‌ها و اداره‌های مربوط به طالبان از سوی دفتر ذبیح‌الله مجاهد صادر می‌شود. صفا صالح پس از مذاکره خسته‌کننده با طالبان، موفق می‌شود با ذبیح‌الله مجاهد مصاحبه‌ای سی‌و پنج دقیقه‌ای صورت دهد.

آنچه صفا صالح از پشت پرده فعالیت‌های خبرنگاری‌اش در سایه حاکمیت طالبان تعریف کرده، فقط نوک کوه یخ را نشان می‌دهد. بسیاری از واقعات است که از چشم رسانه‌ها مخفی نگه داشته شده است و اگر این واقعات مکشوف شود، عمق فاجعه‌ای که در افغانستان جریان دارد برملا خواهد شد. در تاریخ افغانستان، بارها کهنه‌اندیشان و نیروهای ارتجاعی، بر اوضاع مسلط شده و موفق به سبوتاژ کردن روندهای پیش رو شده‌اند. با این حال، تفاوت طالبان با دیگر نیروهای واپس‌گرا در این است که این گروه هرگز به مرور زمان دچار دگردیسی نمی‌شود و تغییر را نمی‌پذیرد، بلکه از آن بالاتر، هر روز بیشتر از دیروز به تندروی و رادیکالیسم روی می‌آورد. این گروه شبیه بسیاری دیگر از گروه‌های مرتجع و عقب‌گرا، از آزادی زنان می‌ترسد و همواره در پی وضع محدودیت بر زنان شهری است. زنان زیر سلطه طالبان، بدترین روزگار را سپری می‌کنند، هرچند مردان این کشور نیز هم‌روزه مصیبت و تباهی را به چشم سر می‌بینند و حال بهتری در قیاس به زنان این سرزمین ندارند.

که این واقعه بیانگر تراژدی بزرگی است که دختران شهرها و از جمله کابل باید با آن دست‌وپنجه نرم کنند و هر روزه چنین برخوردهایی را از سوی سربازان طالب تحمل کنند.

صفا صالح پس از سفر به کابل و پنجشیر تصمیم گرفت به قندهار، پایتخت طالبان، برود. اولین خاطره‌ای که از این سفر در ذهن دارد، مربوط به مردی قندهاری است که در هواپیما در چوکی کناری‌اش قرار گرفته بود. این شخص با آن که طالب نبود، اما حاضر نبود در چوکی‌ای بنشیند که خانمی «روی‌لج» در کنارش قرار دارد. او از خانم خبرنگار خواست چوکی‌اش را ترک کند و به چوکی دیگری برود. صالح تن به این تقاضا نمی‌دهد و میزبانان هواپیما پس از تلاش زیاد موفق می‌شوند راه‌حلی برای مشکل آن مرد پیدا کنند. پس از نقل این حکایت، صفا صالح می‌گوید که مردان قندهاری در زن‌ستیزی تفاوتی با طالبان ندارند. بنا بر ادعای او، حتی سربازان قندهاری طالبان، در مقایسه به جنگ‌جویان سایر مناطق، خشن‌تر و بدوی‌تر و تنگ‌نظرترند.

زمانی که صفا صالح به قندهار می‌رسد، ماجراهای دیگری از این دست رخ می‌نماید. در یک مورد، خانم ژورنالیست در موتر می‌نشیند تا مترجمش برایش آب بخرد، چون هوای قندهار در آن زمان بسیار گرم بوده است. در آن اثنا شخصی دروازه موتر را باز می‌کند و کوشد خبرنگار را از آن بیرون بکشد و لتوکوب یا زندانی کند. معلوم می‌شود که خشم آن مرد از آن جهت بوده که چرا این زن، برقع نپوشیده است و بدون محرم گشت‌وگذار می‌کند. مترجم به شتاب خود را به موتر می‌رساند و از آن مرد می‌پرسد که چرا آن رفتار را انجام می‌دهد. آن مرد به مترجم می‌گوید که این قبیل زنان، زنان افغانستان را فاسد می‌کنند. خبرنگار و مترجمش برای این‌که خشم آن مرد را بخوابانند، مجبور می‌شوند مکتوب‌هایی را که مقام‌های طالبان برای‌شان نوشته بودند تا کسی جلو فعالیت‌شان را نگیرد، به آن مرد نشان دهند و از جمله نامه‌ای را که ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، نوشته بود به او نشان می‌دهند. پس از آن، آن مرد برای‌شان اجازه می‌دهد که بروند، اما همچنان به این باور بوده که این زن عرب، اسلام و زنان افغانستان را فاسد می‌کند.

یک بار خبرنگار تلویزیون «اخبار الان» با یکی از مقام‌های طالبان در قندهار مصاحبه می‌کند. این مصاحبه از تلویزیون پخش شد. این مقام طالبان پس از انتشار مصاحبه متوجه خبط و خطای خود در جریان مصاحبه شد؛ چون در مورد اختلافات داخلی طالبان حرف زده بود. از این رو، خبرنگار را برای سه ساعت در دفتر خود زندانی کرد و پس از آن که مقام‌های وزارت خارجه امارات متحده عربی با طالبان مذاکره کردند، آن مقام قندهاری طالبان حاضر به رهایی خانم خبرنگار از بازداشت شد. این واقعه ثابت کرد که حتی مقام‌های ارشد طالبان با شیوه برخورد با خبرنگاران آشنایی ندارند.

صفا صالح در مصاحبه‌اش گفت که خبرنگاران به‌صورت عموم و خبرنگاران زن به‌صورت ویژه با چالش‌هایی مواجه‌اند. سخت‌گیری‌های طالبان در برابر خبرنگاران زن هر روز بیشتر می‌شود و از جمله آن‌ها باید وقتی در صفحه تلویزیون ظاهر می‌شوند، نقاب بر چهره ببندند. به روایت او، یکی از چالش‌های

صفا صالح در یکی از مصاحبه‌هایش از سفرش به پنجشیر سخن گفته است. او پس از موافقت مدیران بالادستی تصمیم گرفت به پنجشیر برود و با نیروهای مقاومت و همچنین اهالی پنجشیر صحبت کند و از نزدیک با اوضاع آن‌جا آشنا شود. در میانه راه و پس از آن که با جنگ‌جویان طالب گپ زد و خوش‌وبش کرد، ناگهان یکی از این جنگ‌جویان که از چهره‌اش خشم و برافروخته‌گی و نفرت هویدا بود، جلو موترش را گرفت و با نشانه گرفتن سلاحش به سوی او دستش را به ماشه گذاشت و آماده شلیک کردن به سوی او شد. پس از رهایی از آن مخمصه، صفا صالح که از آن حادثه خشمگین شده بود، با اصرار پرسید که چرا آن جنگ‌جوی طالب آن رفتار غریب را از خود نشان داد و نزدیک بود وی را به قتل برساند. آن سرباز خشمگین در پاسخ گفت که تازه از قندهار آمده و اولین بار است که زنی را در میان جنگ‌جویان دیده و شکل و شیوه لباس پوشیدن او (با آن که خبرنگار زن، لباس اسلامی متعارف را پوشیده بوده) وی را تحریک و وادار به نشان دادن آن واکنش کرده است. او سپس از رفتارش معذرت‌خواهی کرد.

براساس روایت صفا صالح، رویداد غریب دیگر در پایگاه نظامی بگرام رخ داد. یکی از فرماندهان طالب که در دروازه میدان هوایی بگرام موظف بود، شخصی قوی‌هیکل و نیرومند با ریشی دراز و انبوه بود. او در حالی که به سوی ژورنالیست یادشده با تحقیر و نفرت نگاه می‌کرد، از مترجم پرسید که آیا این خانم، مسلمان است؟ صفا صالح می‌گوید، آن جنگ‌جوی طالب در حالی این سوال را مطرح کرد که وی نه تنها دارای پوشش متعارف اسلامی بود، بلکه یونیفورم سیاه دختران کابل را نیز بر تن داشت. این ژورنالیست از این پرسش احمقانه ناراحت شد و به مترجم گفت که برای نگهبان بگوید که بلی، من مسلمانم و حتی بیشتر از تو. آن فرمانده طالبان با خشم دستور می‌دهد که خانم خبرنگار را از آن‌جا دور کنند. پس از آن واقعه، صفا صالح از دیگر اعضای طالبان پرسید که چرا این شخص چنین پرسشی را مطرح کرد، حال آن که او همان پوششی را داشت که دختران کابل دارند. طالبان در توجیه آن پرسش گفتند: آن جنگ‌جو تازه از قندهار آمده و اصلاً دختران و زنان کابل را ندیده است. خانم صالح پس از شرح این داستان می‌گوید

در قلمرو طالبان که حالا کشوری به وسعت افغانستان است، حوادث بی‌شماری در جریان است. بعضی از این حوادث به دست ژورنالیست‌ها رسیده و در رسانه‌ها بازتاب یافته، اما بسیاری از آن‌ها هنوز افشا نشده و به اطلاع عموم نرسیده است. کنترل شدید طالبان بر فعالیت رسانه‌ها و خبرنگاران و ارعاب و تهدیدی که این گروه در حق فعالان رسانه‌های روا می‌دارد، مهم‌ترین علت بی‌خبری رسانه‌ها از قسمت عمده‌ای از حوادثی است که در سایه حاکمیت طالبان روی می‌دهد. طالبان، رسانه‌های مستقل را به رسمیت نمی‌شناسند و به رسانه‌ها در صورتی اجازه فعالیت می‌دهند که مطابق پالیسی آن‌ها کار کنند. از این رو، رسانه‌هایی که در داخل افغانستان سرگرم فعالیت‌اند، هرگز قادر نیستند وقایع و رویدادها را به‌درستی انعکاس دهند. با این حال و به رغم دشواری‌هایی که فراراه فعالیت آزاد رسانه‌ها وجود دارد، هنوز هم ژورنالیستان از پا ننشسته‌اند و با پذیرش خطرات گوناگون می‌کوشند به حقایق جامعه افغانستان زیر سلطه طالبان دست یابند و آن را به مخاطبان برسانند. یکی از ژورنالیستانی که در اوایل سقوط افغانستان به دست طالبان به این کشور رفت و گزارش‌هایی منتشر کرد، خانم صفا صالح است.

صفا صالح، گزارشگر مصری شبکه تلویزیونی «اخبار الان» که به زبان عربی نشرات دارد و مقر آن در دبی است، موفق شده مدتی بعد از تسلط طالبان بر افغانستان به این کشور سفر و گزارش‌های متعددی برای تلویزیونی که در آن کار می‌کند تهیه کند. او در کنار تهیه گزارش، بعضی چشم‌دیدهایش را پس از خارج شدن از افغانستان به مناسبت‌هایی بیان کرده است. مخرج مشترک این چشم‌دیدها اثبات این نکته است که گروه طالبان گروهی زن‌ستیز است و با زیست شهری آشنایی ندارد و اکنون با تسلط بر شهرها قصد دارد سنت‌های قبیله‌ای خود را بر همه شهروندان و خصوصاً زنان شهری تحمیل کند. داستان‌هایی که صفا صالح از شیوه برخورد طالبان با او به‌عنوان زنی با حجاب متعارف بازگو می‌کند، ژرفای بدویت طالبان را آشکار و نیز این واقعیت را آفتابی می‌کند که طالبان با اجبار زنان شهری به پذیرش سنت‌های جوامع عقب‌مانده خود، تلاش می‌ورزند کشور را قرن‌ها به عقب برگردانند.

یک زن در سرپل کشته شد



۸صبح، سرپل: باشندگان ولایت سرپل از کشف جسد یک زن جوان از داخل چاه سپتیک در این ولایت خبر می‌دهند. باشندگان ولسوالی سوزمه‌قلعه ولایت سرپل روز یک‌شنبه، ۱۳ حمل، به روزنامه ۸صبح گفتند که یک زن جوان به‌شکل مرموز به قتل رسیده و سپس جسدش را در چاه سپتیک انداخته شده است.

به گفته آنان، مقتول پنج روز پیش لادرک شده بود، اما سرانجام جسدش روز گذشته از داخل چاه سپتیک خانه‌اش کشف شده است. مسولان فرماندهی امنیه طالبان در سرپل نیز به رسانه‌ها گفته‌اند که این رویداد در روستای کاریز افغانیه ولسوالی سوزمه‌قلعه رخ داده است.

طالبان علت و انگیزه این رویداد را خشونت‌های خانواده‌گی‌عنوان کرده و گفته‌اند که در پیوند به قتل این زن، انبغ وی را با دو پسرش بازداشت کرده‌اند.

این در حالی است که از آغاز سال جدید تا کنون، در سه قضیه جداگانه سه زن در سرپل به قتل رسیده‌اند.

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹
نشانی پستی: ۰۲۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صاحب امتیاز: سانجر سهیل
مدیرمسئول: محمد محق
سرمدیر: حسیب بهش
مسئول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین



Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

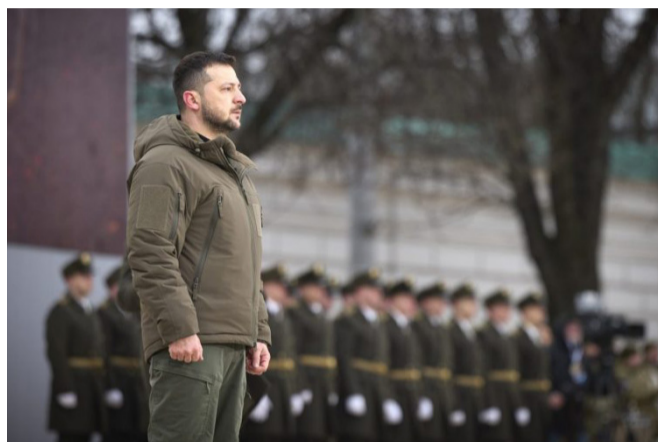
Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

بربنیاد گزارش‌ها، رهبر حزب ایتلاف ملی جناح راست اپوزیسیون فنلند مدعی پیروزی در انتخابات پارلمانی این کشور شده است. خبرگزاری رویترز روز دوشنبه، ۳ اپریل، گزارش داده است که پتری اورپو، رهبر حزب ایتلاف ملی جناح راست اپوزیسیون فنلند، پیروزی خود را اعلام کرده است. او در یک سخنرانی به طرفدارانش گفته است: «ما بزرگ‌ترین مأموریت را گرفتیم.» داده‌های انتخاباتی وزارت دادگستری فنلند نشان می‌دهد که با شمارش ۹۳.۴ درصد آرا، به نظر می‌رسد که حزب اورپو بیشترین کرسی‌ها را در پارلمان به دست آورده است. این حزب از میان ۲۰۰ کرسی، تاکنون ۴۸ کرسی را که ۲۰.۵ درصد آرا می‌شود، به خود اختصاص داده است.



زلنسکی: سپردن ریاست شورای امنیت به روسیه، ورشکسته‌گی نهادهای جهانی را نشان می‌دهد



ولادیمیر زلنسکی، دولت روسیه را «تروریستی» خوانده و افزوده است که هم اکنون نظامیان این کشور در حال انجام «جنایت‌های بشری» در اوکراین هستند.

رئیس‌جمهور اوکراین در واکنش به سپردن کرسی ریاست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد به روسیه، نهادهای جهانی را به ورشکسته‌گی در

تصمیم‌شان متهم کرده است.

ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، یکشنبه شب، ۲ اپریل، با نشر یک نوار تصویری در

صفحه توئیترش دولت روسیه را «تروریستی» خوانده و افزوده است که هم اکنون نظامیان این کشور در حال انجام «جنایت‌های بشری» در اوکراین هستند. وی خاطر نشان کرده است: «دیروز ارتش روسیه یک پسر پنج‌ماهه را کشت و پدر و مادرش را زخمی کرد. این یکی از صدها حمله توپخانه‌ای است که دولت تروریست روزانه انجام می‌دهد.» پیش از این نیز دیمیتری کولبا، وزیر امور خارجه اوکراین، از این موضوع انتقاد کرده و آن را سیلی محکم به صورت جامعه بین‌الملل توصیف کرده بود. این در حالی است که با وجود مخالفت‌های اوکراین، روسیه از اول اپریل تا آخر این ماه ریاست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد را برعهده گرفته است.

این نخستین ریاست روسیه بر شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از حمله این کشور بر اوکراین در ماه فبروری سال ۲۰۲۲ میلادی است.

روسیه و ریاست شورای امنیت؛

پولیانسکی کشورهای غربی را به تحریک مسکو متهم کرد

ریاست شورای امنیت سازمان ملل متحد با صداقت عمل خواهد کرد.

وی همچنان افزوده است: «برخلاف شرکای غربی سابق، ما در عرصه بین‌المللی عادلانه بازی می‌کنیم و استانداردهای دوگانه را ترویج نخواهیم کرد.»

این اظهارات در حالی از سوی معاون نماینده روسیه در سازمان ملل متحد مطرح شده است که ریاست شورای امنیت سازمان ملل متحد از سوی روسیه آن هم در حالی که تهاجم این کشور به اوکراین ادامه دارد، با واکنش‌های زیادی مواجه شده است.

پس از آن که روسیه ریاست شورای امنیت سازمان ملل متحد را برعهده گرفت و با مخالفت برخی از کشورها از جمله اوکراین مواجه شد، دیمیتری پولیانسکی، معاون نماینده دائمی مسکو در سازمان ملل متحد، گفته است که تلاش کشورهای غربی برای تحریک روسیه محکوم به شکست است.

خبرگزاری تاس گزارش داده که معاون نماینده دائمی روسیه در سازمان ملل متحد این مطلب را روز شنبه، ۱ اپریل، در کانال تلگرام خود بیان کرده است. پولیانسکی اطمینان داده است که روسیه در سمت



روسیه روز گذشته برای یک ماه سمت ریاست شورای امنیت سازمان ملل متحد را برعهده گرفت. پیش از این واسیلی نینزیا، نماینده دائمی روسیه در سازمان ملل متحد، به تاس گفته بود که محروم کردن روسیه از حق ریاست شورای امنیت ناممکن است.

گوترش: افراد دارای اختلال اوتیسم با موانعی برای استفاده کامل از حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان مواجه‌اند



آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان متحد، می‌گوید که علی‌رغم پیشرفت‌های مهم، افراد دارای اختلال اوتیسم همچنان با موانعی برای استفاده کامل از حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان مواجه هستند. او این اظهارات را باامداد یکشنبه، ۲ اپریل، به مناسبت روز جهانی آگاهی از «اوتیسم» در صفحه توئیترش نگاشته است.

دبیرکل سازمان ملل افزوده است: «ما باید با ترویج آموزش فراگیر، فرصت‌های شغلی برابر و محیطی که در آن همه افراد مورد احترام باشند، بهتر عمل کنیم.» اوتیسم اختلال پیچیده و چند وجهی رشد و شکل‌گیری سیستم عصبی است. اختلالی که پردازش اطلاعات و ادراک را مختل می‌کند و بر شکل‌گیری تعامل اجتماعی، ارتباط‌گیری و رفتارهای انسانی اثر می‌گذارد. فقدان ارتباط چشمی با مخاطب، تکان دادن مکرر دست‌ها، بی‌قراری و اضطراب، ترس از صداها یا اشیاء، تاخیر در گفتار یا تکان دادن بدن در زمان نشستن و ایستادن از نشانه‌های عمومی اوتیسم هستند. آمار دقیقی از تعداد افراد دارای اختلال اوتیسم با تفکیک پراکنده‌گی در تک‌تک کشورهای جهان موجود نیست.

تحقیقات در کشورهای اروپایی، کانادا و آمریکا نشان می‌دهد که در هر یک‌هزار تولد، شش الی هفت مورد ابتلا به اوتیسم وجود دارد.

روز جهانی آگاهی «اوتیسم» ۲ اپریل است که به عنوان یک روز جهانی به رسمیت شناخته شده است.

هدف سازمان ملل از نام‌گذاری روز اوتیسم، درک مشکلات اوتیستیک‌ها و دعوت افکار عمومی به همیاری در فرایند رشد و هم‌پیوندی آن‌ها است.

رهبر مخالفان کنیا اعتراضات ضد دولتی را به حالت تعلیق درآورد



رایلا اودینگا، رهبر مخالفان در کنیا، اعتراضات ضد دولتی را در این کشور به حالت تعلیق در آورده است.

رویترز گزارش داده که اودینگا پس از درخواست ویلیام روتو، رئیس‌جمهور این کشور، آماده گفت‌وگو شده است.

اودینگا روز یکشنبه، ۲ اپریل، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفته است: «ما تظاهرات خود را روز دوشنبه، ۳ اپریل، کنار می‌گذاریم.»

وی اما هشدار داده است که احتمال دارد تظاهرات طی چند روز دیگر از سر گرفته شود.

بربنیاد این گزارش، رئیس‌جمهور کنیا از اودینگا روز یکشنبه، ۲ اپریل، خواست تا اعتراضاتی را که به گفته او، منجر به کشته شدن سه تن و زخمی شدن بیش از ۴۰۰ تن، از جمله ۶۰ افسر امنیتی شد، لغو کند.

ویلیام روتو از سوابق دولت خود دفاع کرده و افزوده که ممکن است اصلاحات دو حزبی در کمیسیون انتخابات صورت گیرد که یکی از خواسته‌های اصلی مخالفان است.

در همین حال، اودینگا گفته است که بیانیه رئیس‌جمهور این کشور را به عنوان نشانه‌ای از پیشرفت می‌داند.

اپوزیسیون برای اصلاحات در کمیسیون انتخابات، از جمله تضمین‌های قوی‌تر مبنی بر این که رئیس‌جمهور نمی‌تواند بدنه حکومت را با حامیان خود جمع کند، فشار آورده است.

گفتنی است که ایتلاف آزیمو به رهبری اودینگا هفته گذشته در پیوند به نتایج انتخابات و هزینه‌های بلند زنده‌گی در این کشور اعتراض کردند.

مخالفان پیش از این اعلام کرده بودند که هر دوشنبه و پنجشنبه به تظاهرات ادامه خواهند داد.

روزنامه نیویارک تایمز تیک آبی خود را در توئیتر از دست داد

ساعاتی پس از این که روزنامه نیویارک تایمز تیک آبی خود را در توئیتر از دست داد، مسوولان این روزنامه گفتند که برای علامت‌های تایید شده توئیتر هزینه‌ای نمی‌پردازند.

سخنگوی روزنامه نیویارک تایمز روز یکشنبه، ۲ اپریل، به خبرگزاری رویترز گفته است: «ما همچنان هزینه حساب‌های شخصی تیک آبی توئیتر را به خبرنگاران پرداخت نمی‌کنیم؛ مگر در موارد نادری که این وضعیت برای اهداف گزارش‌دهی ضروری باشد.»

او اضافه کرده است که هزینه ماهانه‌ای برای دریافت وضعیت علامت تایید شده در توئیتر پرداخت نخواهد کرد. این در حالی است که ایلان ماسک، مالک جدید توئیتر، پس از خرید این شبکه محبوب اجتماعی اعلام کرد که چندین حساب توئیتر تیک آبی خود را از دست خواهد داد؛ زیرا این شرکت خدمات قدیمی خود را متوقف می‌کند.

مالک جدید توئیتر اعلام کرد که دارنده‌گان حساب‌های دارای تیک آبی در این شبکه اجتماعی، بابت این امتیاز باید ماهانه هشت دالر پرداخت کنند.

هزاران تن در پرتغال به دلیل بحران مسکن تظاهرات کردند

هزاران تن در سراسر شهرهای پرتغال به دلیل افزایش کرایه خانه و قیمت مسکن در این کشور راه‌پیمایی کرده‌اند.

بربنیاد گزارش رویترز، این اعتراض روز شنبه، ۱ اپریل، همزمان با تورم بالا که کار را برای مردم این کشور سخت‌تر کرده، صورت گرفته است.

ریتا سیلوا، از گروه مسکن هابیتا، در تظاهرات لیسبون گفته است: «امروز یک بحران بزرگ مسکن وجود دارد. این یک اورژانس اجتماعی است.»

پرتغال یکی از فقیرترین کشورهای اروپای غربی است که بیش از ۵۰ درصد کارگران این کشور در سال گذشته، کمتر از یک‌هزار یورو در ماه درآمد داشته‌اند. بربنیاد گزارش‌ها، حد میانگین اجاره یک آپارتمان یک‌اتاقه در لیسبون، حدود یک‌هزار و ۳۵۰ یورو است.

دولت سوسیالیست پرتغال ماه گذشته بسته مسکنی را اعلام کرد که در کنار سایر اقدامات، به طرح بحث برانگیز «ویزای طلایی» پایان داد و مجوزهای جدید برای املاک را ممنوع کرد؛ اما منتقدان می‌گویند که این بسته برای کاهش قیمت‌ها در کوتاه‌مدت کافی نیست.